

آیا صدور چک بی محل کلاهبرداری محسوب است ؟

روشن شدن این موضوع که آیا صدور چک بی محل کلاهبرداری محسوب است یا نه از جهات زیر حائز اهمیت است.

۱ - طبق قسمت اول بند ج ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی هر کس بموجب حکم قطعی و بعلت ارتکاب کلاهبرداری و یا جنحه ای که بموجب قانون مجازات کلاهبرداری برای آن تعیین شده است با رعایت کیفیات مخففه به پیش از یکماه حبس تأدیبی محکوم شود در صورتیکه یکی از مجازاتهای اصلی او انفصال ابد از خدمات دولتی نباشد در مدت پنج سال از حق استخدام دولتی و مملکتی محروم میشود و هر گاه مدت حبس تأدیبی تا یکماه باشد مدت محرومیت از حق استخدام دولتی و مملکتی دوسال خواهد بود.

۲ - بتجویز قسمت آخر ماده ۱۹ قانون مزبور دادگاه میتواند مرتکبین بکلاهبرداری را علاوه بر مجازات حبس بمحرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی محکوم نماید و همچنین برای مدتی که از پنج سال تجاوز ننماید از اقامت در نقطه یا نقاط معینی ممنوع یا باقامت در نقطه یا نقاط معینی مجبور نماید.

۳ - بنا بر ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی اگر کسی دارای یک سابقه محکومیت کیفری باشد مجازات او بیش از حد اکثر مجازات جرمی است که در دفعه دوم مرتکب شده بدون اینکه از حد اکثر آن مجازات بعلاوه نصف تجاوز کند مگر آنکه مجرم مرتکب نظیر همان جرم سابق شده باشد که در اینصورت مجازات او بیشتر از حد اکثر مجازات جرم دوم خواهد بود بدون آنکه از دو برابر حد اکثر تجاوز کند و قانون سرقت و اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری و خیانت در امانت را از حیث تکرار جرم نظیر هم دانسته است.

بنابراین اگر فرض کنیم یک نفر بعلت ارتکاب یکی از جرائم فوق الذکر محکومیت قطعی پیدا کرده باشد و پس از اجرای حکم مزبور مرتکب صدور چک بی محل شود و چک بی محل هم کلاهبرداری محسوب گردد محکمه میتواند برای او تا دو برابر حد اکثر مجازات تعیین شده برای این جرم تعیین مجازات نماید.

همچنین باستناد قسمت دوم از فراز سه ماده ۲۵ قانون مجازات : مجازات کسانی که بیش از دو سابقه محکومیت برای دزدی و یا کلاهبرداری داشته باشند حبس موقت با اعمال شاقه است. و در مورد این اشخاص محکمه باید حکم دهد که محکوم بعد از انقضای مدت محکومیت در یکی از نقاطی که از طرف دولت معین میشود توقف اجباری نماید. بعلاوه دولت میتواند حکم محکومیت این محکومین را نیز در همان نقطه اجرا نماید.

۴ - بموجب قسمت دوم ماده ۱۹ قانون جزا هر گاه مستخدمینی که از بودجه کشور و شهرداریها و بنگاههاییکه با سرمایه دولت اداره میشود و مستخدمین افتخاری

آیا صدور چک بی محل کلاهبرداری محسوب است

دولتی و مملکتی باتهام کلاهبرداری مورد تعقیب قرار گیرند از تاریخ اعلام کیفرخواست بوزارتخانه یا قسمت مربوطه که مستخدم مزبور در آن انجام وظیفه مینماید از شغل خود معلق میگردد.

اگر صدور چک بی محل هم کلاهبرداری محسوب شود بدیهی است کلیه آثار قانونی بالا نیز براین عمل مترتب خواهد گردید.

در نظر اول از اینجهت که قانون صدور چک بی محل را ذیل شماره ۲۳۸ مکرر و در پایان فصلی قرار داده است که دارای عنوان کلاهبرداری است این فکر متبادر بذهن میشود که عمل مذکور نیز مشمول عنوان فصل گردیده و کلاهبرداری بودن آن محرز است چه آنکه علی الاصول باید بین موادیکه در یک فصل گنجانیده شده و تحت یک عنوان ذکر میشود وحدت موضوعی وجود داشته باشد.

این مطلب اگرچه بر پایه یک استدلال منطقی قرار دارد و صحیح است که هنگام وضع قوانین و طبقه بندی و تنظیم و تنسيق مطالب اصول نکته مزبور لازم الرعایه است و باید موضوعات واحد تحت عنوان واحد آورده شوند اما باید دید قانونگذاران مآهم باین مطلب همیشه توجه کامل داشته اند و آنچنان دقیقی در این زمینه بکار برده اند که دلیل مزبور ما را کاملاً قانع کند و از تجزیه و تحلیل بیشتری بی نیاز سازد؟ بعبارت دیگر آیا عناوینی که برای فصول قوانین ما تعیین شده جامع و مانع است؟

متأسفانه جواب این سؤال منفی است در کلیه قوانین ما اعم از جزائی - حقوقی اداری و غیره موارد تقریباً بسیاری را میتوان یافت که بین مواد یک فصل و عنوان آن ارتباط کامل موجود نیست مثلاً ماده ۲۳۱ قانون مجازات عمومی (مداخله در اشیائی که قانوناً توقیف شده اگرچه از طرف مالک آن باشد) و یا ماده ۲۳۲ (ساختن کلید یا تغییر و تبدیل دادن کلید یا هر نوع آلت برای ارتکاب جرم) زیر فصل سرقت آمده است در حالیکه موضوع و عناصر و ارکان هیچیک از این جرایم بهیچوجه قابل انطباق با ارکان و عناصر بزه سرقت نیست و بین آنها و جرم سرقت همیشه رشته ارتباطی وجود ندارد. باتوجه بانچه گذشت باین استدلال که چون ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات زیر فصل کلاهبرداری آمده است بنابراین سنخیت ذاتی و کامل بابزه کلاهبرداری دارد نمیتوان تکیه کرد و آنرا برهان قاطعی دانست.

حال به بینیم ارکان و عناصر بزه کلاهبرداری در صدور چک بی محل همیشه جمع است یا نه؟ بعبارت دیگر این بزه مشمول تعریف عمومی که از کلاهبرداری میشود مینماید یا خیر؟

بند الف ماده ۲۳۸ قانون مزبور را باسانی میتوان گفت که از مصادیق کلاهبرداری نیست زیرا قانونگذار در این قسمت موردی را پیش بینی کرده که صادرکننده فاقد سوء نیت است و حال آنکه سوء نیت و اعمال حیله و تقلب شرط اساسی تشکیل و بوجود آمدن جرم کلاهبرداری است و با این کیفیت باید گفت بند الف ماده مورد بحث هم از مواردی است که بدون توجه باینکه موضوع آن سنخیتی با عنوان فصل دارد یا نه در فصل کلاهبرداری گنجانیده شده است.

اما در مورد بندب ماده ۲۳۸ مکرر قانون مذکور اگر چه قانون مرتکب را فاقد سوء نیت ندانسته ولی باید دید صرف وجود سوء نیت کافی است؟

بالتفات بماده ۲۳۸ قانون جزا کلاهبرداری را میتوان چنین تعریف کرد
« هر کس با توسل بوسائل متقلبانه یا اعمال حیله موجب گمراهی دیگری گردد و بدینوسیله مالی از او ببرد » بایستی توجه داشت که بین تشبث بوسائل متقلبانه و اعمال حیله با بردن مال باید رابطه مستقیم وجود داشته باشد بنحویکه کلاهبردار صرفاً از این طریق موفق بتحصیل مال گردد.

بعبارت دیگر کلاهبردار پس از توسل بتقلب و بکاربردن حیله مالی بدست آورد در صورتیکه این شرط همیشه در مورد صدور چک بی محل موجود نیست و صادرکننده چک همیشه با این وسیله مالی بدست نمیآورد :

بدهکاری که بابت دین خود در رأس موعد بجای پرداخت پول چک بدست داین میدهد و یا مستأجری که بابت مال الاجاره بموخر چک میدهد . صاحب کاریکه پس از خاتمه کار برای کنتراچی چک صادر میکند هیچکدام با صدور چک مالی ازدائن - موخر و یا مقاطعه کار تحصیل نمیکند و چه بسا در موقعی که بمدیون پول قرض میداده و عقد اجاره جاری میشده یا بین صاحب کار و مقاطعه کار قرارداد منعقد میشده هیچکدام اطلاعی از اینکه طرف معامله آنها در بانک حساب جاری دارد یا نه نداشته اند و بنا بر این عقد یا قرارداد را باعتبار اینکه طرف آنان در بانک دارای اعتبار و پول است قبول نکرده اند و نمیدانسته اند که طرف آنها چک خواهد داد.

با این ترتیب اگر چک اشخاص مزبور بی محل باشد یا موجودی آنان کافی نباشد و پس از اخطار و ابلاغ اظهارنامه هم حاضر نشوند وجه آنرا بپردازند و با این ترتیب سوء نیت آنان کشف و محرز گردد باز هم باین دلیل که مستقیماً و از طریق صدور چک بی محل مالی بدست نیآورده اند نمیتوان آنرا کلاهبرداری محسوب داشت و باید گفت که این عمل خود جرم جداگانه ای است که دارای عنوان علیحده و مخصوص میباشد.

البته ممکن است گاهی هم چک بی محل وسیله ای برای بردن مال دیگری قرار گیرد ولی این موضوع عمومیت ندارد و بطور مطلق نمیتوان گفت هر کس از روی سوء نیت چک بی محل صادر کرده کلاهبردار است. باید بین موارد قائل بتفکیک و تفاوت شد و علت صدور چک را تحقیق و اوضاع و احوال قضیه را بررسی کرد .

البته اگر صادرکننده با سوء نیت و اعمال حیله و مغرور کردن گیرنده چک بداشتن اعتبار در بانک پول یا مالی بدست آورده باشد و چک مستقیماً وسیله ای قرار گیرد در آن صورت عمل کلاهبرداری محسوب میشود.

اما در چنین حالی دادن عنوان کلاهبرداری از اینجهت است که شرایط ماده ۲۳۸ قانون جزا در عمل جمع است و موضوع قابل انطباق با ماده مذکور میباشد . به بیان دیگر از مواردی است که در ماده ۳۱ قانون جزا پیش بینی شده یعنی یک عمل دارای دو عنوان است کلاهبرداری و صدور چک بی محل .